



حاشیہ نشینی و مسائل اجتماعی - فرهنگی در شهرها (مطالعه موردی: شهر خمین)

حمیده محمدامینی^۱، دکتر محمدباقر علیزاده اقدم^۲
h.amini۱۳۹۵@yahoo.com
aghdam۱۳۵۱@yahoo.com

چکیده

گسترش فیزیکی نابسامان و بی‌رویه شهرها یکی از مشکلات شهر و شهرنشینی کشورهای در حال توسعه، در دوران معاصر می‌باشد و اگر این روند سریع و بی‌برنامه همچنان ادامه یابد به ترکیبی نامتناسب از فضاهای شهری خواهد انجامید که یکی از پیامدهای آن حاشیه‌نشینی شهری است. هدف از نگارش مقاله حاضر، بررسی علل و پیامدهای ناهنجاری‌های کالبدی-اجتماعی پیرامون شهرها (شهر خمین) است که در آن تلاش شده است تا با توجه به فرضیه‌های مطرح شده به بررسی مسائل اجتماعی- فرهنگی حاشیه‌نشینی همانند: پسران‌های شهری، گرایش به مشارکت اجتماعی/سیاسی توجه گردد. روش تحقیق در این پژوهش از نوع اسنادی و پیمایشی است و شیوه نمونه‌گیری آن سهمیه‌ای چند مرحله‌ای است. جامعه آماری تحقیق پیش رو، مناطق سه‌گانه حاشیه‌نشین شهر خمین است که از طریق پرسشنامه محقق ساخته مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در نهایت تعداد ۳۸۴ نمونه بر اساس فرمول کوکران تعیین و مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان داد که مهاجرت از روستاها به اطراف شهر خمین مهم‌ترین مسئله اجتماعی شکل‌دهنده به حاشیه‌نشینی بوده است و پس از آن پسران‌های شهری مانع از ورود افراد به شهرها شده است. همچنین مشخص شد که بین گرایش به مشارکت اجتماعی/سیاسی و احساس حاشیه‌نشینی رابطه معنی‌دار و معکوسی وجود دارد.

کلید واژه‌ها: حاشیه‌نشینی، مهاجرت، گرایش به مشارکت اجتماعی، گرایش به مشارکت سیاسی.

۱- مدرس دانشگاه پیام نور واحدمحلات Email: h.amini۱۳۹۵@yahoo.com

۲- استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز Email: aghdam۱۳۵۱@yahoo.com





۱) مقدمه

یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین تحولات اجتماعی جهان در نیم قرن اخیر توسعه شهرنشینی است، فرایند شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه به طور کلی و در ایران به طور اخص به دلایل خاص خود در فرایندی شتابان به کلان شهری و قطبی شدن منجر شده است. رشد شتابان شهرنشینی و ظهور کلان شهرها عواقب و پیامدهای متفاوتی را به دنبال داشته و آسیب‌های شهری متفاوتی را نیز به همراه داشته است. ناهنجاری‌های تأسیساتی، آسیب‌های زیست‌محیطی، آسیب‌های اقتصادی، نارسایی‌های خدماتی، ناهنجاری‌های کالبدی (حاشیه‌نشینی) و... از جمله پیامدهای شهرنشینی شتابان به شمار می‌رود.

اما بن‌مایه بسیاری از آسیب‌های شهری و خصوصاً حاشیه‌نشینی، نرخ بالای مهاجرت، خصوصاً از نواحی روستایی به شهرهاست. در واقع میزان بالایی از جمعیت شهرنشین کشورهای در حال توسعه ناشی از مسئله مهاجرت می‌باشند. افشارکم درآمد و بعضاً بیکار ساکن در مناطق روستایی به منظور رهایی از فقر و بهره‌گیری از امکانات، راهی شهرها می‌شوند اما اغلب این افراد توان سکونت در شهرها را نداشته و در حواشی شهرها ساکن می‌شوند و در نتیجه سبب به وجود آمدن حاشیه‌نشینی در اطراف شهرها خواهند شد.

اما زیست حاشیه‌ای در اطراف شهرها پی‌آمدهای بسیاری از جمله، آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی، عدم مشاکت در بسیاری از امور اجتماعی و سیاسی را داشته است.

بیان مسئله پژوهش

یکی از مهم‌ترین آسیب‌های شهری که از پیامدهای ناشی از شهرنشینی شتابان و از جلوه‌های بارز فقر شهریکه در شکلی برنامه‌ریزی نشده و خودروی در درون و اطراف شهرها ظهور کرده است و اخیراً نیز نظر بسیاری از کارشناسان و مدیران شهری را به خود جلب کرده است پدیده «حاشیه‌نشینی» است. البته دلیل تأکید بسیار بر این پدیده نیز از آنجایی ناشی می‌گردد که با رشد سریع شهرنشینی و مهاجرت‌های روستایی و ظهور حلبی آبادها، کمبود و مضایق زندگی شهری، کمبود مسکن و به همراه آن رشد بیکاری و عدم اشتغال مناسب، زمینه جرم‌زایی و آسیب‌های اجتماعی را فراهم می‌کند. (ربانی، ۱۳۸۳: ۱۲۰). که این پدیده در درازمدت می‌تواند تهدیدی جدی برای پایداری و انسجام جامعه شهری تلقی گردد.

رونداین پدیده در سطح جهان از نیمه دوم قرن ۱۹ (یعنی سالهای ۱۹۵۰ به بعد) آغاز گردید و در قرن بیستم به اوج خود رسید.

که البته این مسئله در ایران نیز با شرایط خاص خود آغاز شده است و اغلب شهرهای ایران با این پدیده درگیر شده‌اند (نظریان، ۱۳۷۹: ۷۸).

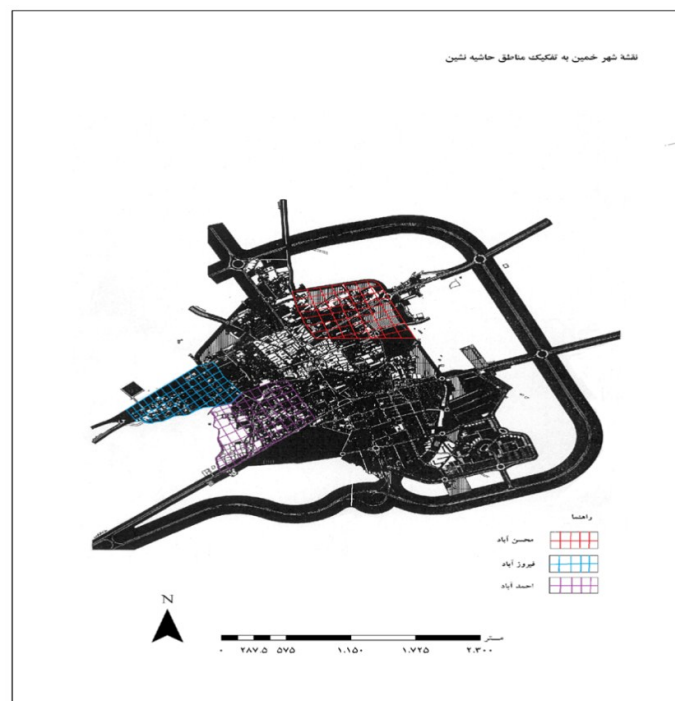




آنچه در تحلیل پویش های اجتماعی جامعه شهری ایران طی دهه های اخیر مورد بررسی قرار گرفته «پدیده مهاجرت» بوده که زمینه ساز بسیاری از آسیب های اجتماعی و شهری خصوصاً در زمینه حاشیه نشینی بوده است.

چنان که بررسی روندهای تاریخی حاشیه نشینی در ایران حاکی از آن است که این پدیده در سه دوره شدت بیشتری گرفته که با روندهای حاکم بر مهاجرت های روستایی مطابقت دارد. در دوره اول که با تحولات پس از سال ۱۳۲۰ به گونه آرام و فصلی آغاز شد. از سال ۱۳۳۲ با تداوم برنامه های نوسازی جامعه که غالباً برنامه های شهری بودند گسترده تر شد و از سال ۱۳۵۱ به بعد یعنی پس از برنامه اصلاحات ارضی شدت بیشتری یافت و از آن پس تاکنون به عنوان یکی از مهم ترین مسائل شهری، جایگاه ویژه ای در آسیب شناسی شهری به ویژه در شهرهای بزرگ برای خود تعریف نموده است. (درستی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۶۱).

خمین نیز از جمله شهرهایی است که به ویژه در دو، سه دهه گذشته با موضوع حاشیه نشینی روبرو گشته است. مناطق گوشه، فیروز آباد، محسن آباد، که در این پژوهش به عنوان یک مطالعه موردی (Casestudy) مورد بررسی قرار گرفته است، از جمله مناطق حاشیه ای شهر خمین به شمار می روند.





تعریف حاشیه‌نشینی :

مفهوم حاشیه‌نشینی در واقع مفهومی بسیار کلی است که ابعاد مختلف و مصادیق متفاوتی را در متون علوم اجتماعی و انسانی دربر می‌گیرد اما آنچه بیشتر در مورد حاشیه‌نشینی قابل توجه است ویژگی محل اسکان افراد و سکونتگاه‌های آن‌هاست که به عنوان عامل اصلی حاشیه‌نشینی در شهرها مورد توجه است (پارسا پژوه، ۱۳۸۱: ۱۶۴).

در تعریفی که از «مهاجرین» درباره حاشیه‌نشینی آمده است این پدیده را این گونه تعریف کرده است: حاشیه‌نشینی حالتی است که شخص با توجه به فشارهای اقتصادی که از درون کلان شهرها و عدم توازن بین فراخورد هزینه و در آمد و فقدان توان ایستادگی در مقابل این مصائب مجبور به انتخاب مکان‌هایی است که، ساخت مسکن به دلیل نظارت کم یا نبود کنترل دولتی برای ساخت‌وساز و همچنین همخوانی آن با بودجه ساکنان این مناطق در ساختار زندگی اجتماعی و به عنوان گونه‌ای از زندگی نمایان شده است. (مهاجرین، ۱۳۸۷: ۲۴).

در یک دیدگاه کلی و عام، پدیده حاشیه‌نشینی با این مفهوم همراه است که افراد و خانواده‌هایی که طی مهاجرت از روستا به شهرها راهی می‌شوند درحالی که بیگانه از فرهنگ شهرنشینی، غریب از جامعه شهری، خالی از هر مهارتی که در اقتصاد شهری خریدار داشته باشد هستند و در شرایطی نامطلوب از نظر سرپناهی بهداشتی و برخورداری از خدمات آموزشی و رفاهی با درآمدی ناچیز به دست آمده از کارگری ساده و یا فعالیت‌های غیرمولد و طفیلی در حاشیه زندگی اجتماعی و اقتصادی شهر زندگی می‌کنند (درستی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۶۸-۱۶۷).

چهارچوب نظری پژوهش:

حاشیه‌نشینی به عنوان یک مسئله اجتماعی پیچیده در بستری از تعاملات که متأثر از عوامل بسیاری است شکل می‌گیرد که بعضاً تشخیص بسیاری از این عوامل بسیار دشوار است.

۴-۱ نظریه استفاده از اراضی :

در این نظریه شکل و نظام فضایی خاصی که شهر به خود می‌گیرد نتیجه رقابت گروه‌های مختلف شهری در جهت احراز موقعیت شهر به شکل رقابتی است. در این صورت، بازندگان این رقابت در بازی با طبقه ثروتمند، نواحی پست و ارزان قیمت را جهت سکونت انتخاب می‌کنند و در نتیجه به ظهور پدیده‌های نظیر زاغه‌نشینی،



حاشیه‌نشینی، حلبی‌آباد و... دامن می‌زنند (برداشت آزاد از هاروی، ۱۹۷۳). که این دسته از عوامل را می‌توان به عنوان عوامل «پس‌ران‌های شهری» نامید.

۴-۳ مهم‌ترین مسئله اجتماعی - فرهنگی ناشی از حاشیه‌نشینی: عدم مشارکت اجتماعی / سیاسی

نکته حائز اهمیت در زمینه مسائل و پیامدهای ناشی از حاشیه‌نشینی، غیر از حاشیه‌نشینی اقتصادی این افراد، بحث حاشیه‌نشینی اجتماعی و سیاسی آن‌هاست که نشان دهنده عدم تمایل آنها به مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی است. زیرا این افراد نمی‌توانند در نهادهای شهری یا در سازمان‌های رسمی و نهادهای غیردولتی (NGO) حضور یابند و مشارکت داشته باشند و همین امر موجب می‌شود که به رغم اینکه طبقات پایین بیشترین مشکلات شهری را دارند، اما به دلیل عدم مشارکت اجتماعی (یا به حاشیه رانده شدن) مجال آن را نمی‌یابند تا از راه‌های قانونی به تعریف و برجسته سازی مسائل خود بپردازند.

به دلیل بالا بودن نرخ بی‌سوادی در میان مهاجران و پایین بودن سطح سواد، اینان از مهارت حرفه‌ای اندکی برخوردار هستند و تعلق آنها به فرهنگ روستایی مانع از مشارکت در فضای زندگی شهری می‌شود، به بیان دیگر چیزی ندارند که به شهر عرضه کنند. همچنین رویکردهای نظری با توجه به مفهوم «دوگانگی روستا-شهری» به این صورت تأکید دارند، که پیشینه و آداب و رسوم روستایی مهاجران، موجب انزوای آن‌ها در شهر می‌شود و مشارکت را در حیات اجتماعی - اقتصادی شهر غیر ممکن می‌سازد (جواهری پور، ۱۳۸۲: ۱۰۴).

حاشیه‌نشینان در نظام اجتماعی شهر به طور کامل ادغام نشده‌اند و از این رو، به عنوان شهروندان رسمی در جامعه پذیرفته نمی‌شوند یا لاقل خود چنین احساسی دارند همین گسست از جامعه شهری و عدم تعلق شهروندی همراه با سایر ویژگی‌های حاشیه‌نشینی همچون پایین بودن سطح سواد و مهارت‌های شغلی، مانع مشارکت توسعه‌ای مردم این مناطق می‌شود. آن‌ها این احساس را دارند که شهر خانه او نیست هرچند خانه او در شهر است. به همین دلیل احساس تعلق شهروندی اندکی نسبت به شهر دارند. همچنین این احساس که بین آن‌ها و شهروندان حاضر در متن نظام شهری یعنی کسانی که در طبقه بالای اجتماعی قرار دارند، تبعیض وجود دارد، باعث گسترش روحیه عدم تعلق شهروندی می‌شود. (نقدی و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۲۶).

هانتینگتون و نلسون^۳ یکی از عواملی اساسی توسعه را خصوصاً از بعد سیاسی در میزان مشارکت می‌دانند.

نگرش هانتینگتون و نلسون این است که فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی از دو طریق مجزا می‌تواند سرانجام به گسترش مشارکت سیاسی / اجتماعی بیانجامد

^۳Hunting ton / Nelson





یک، از طریق مجرای «تحرک اجتماعی» است این بدان معنا است که کسب منزلت‌های بالاتر اجتماعی به نوبه خود در فرد احساس توانایی تأثیر نهادن بر تصمیم‌گیری‌های اجتماعی را ایجاد می‌کند؛ و همین عامل ذهنی در مجموع می‌تواند بر میزان مشارکت تأثیرگذار باشد. در این حالت منزلت‌های بالاتر اجتماعی و احساس توانایی و موثر بودن سیاسی به عنوان متغیرهای میانی، مشوق مشارکت اجتماعی و سیاسی است. به نظر این دو محقق، از میان متغیرهای منزلتی تحصیلات فرد را دارای بیشترین تأثیر در فرایند مشارکت می‌دانند.

دوم، مجاری سازمانی، یعنی عضویت و مشارکت فعال در انواع گروه‌ها و سازمانهای اجتماعی مانند اتحادیه‌های شغلی و صنفی، گروههای مدافع علائق خاص و... است. که احتمال مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی را بیشتر می‌کند. (نلسون و هانتینگتون، ۱۹۷۶: ۸۱).

در درون یک جامعه سطوح مشارکت سیاسی/ اجتماعی در ارتباط با پایگاه اجتماعی و اقتصادی متفاوت است. آنهایی که سواد و درآمد بیشتری دارند و دارای منزلت بالاتری هستند نسبت به آنهایی که فقیر، بی‌سواد و دارای مشاغل کاذب هستند، مشارکت بیشتری دارند.

اما با این وجود بسیاری بر این باورند که دخالت سازمانی یک عامل مهم‌تر از پایگاه اقتصادی- اجتماعی است. تحلیل دقیق اطلاعات الموند - وریا برای ایالت متحده، بریتانیای بزرگ، آلمان یا مکزیک نشان می‌دهد که در حالی که پایگاه اجتماعی - اقتصادی تنها ۱۰ درصد واریانس مشارکت را تبیین می‌کند، دخالت سازمانی ۲۵ درصد از آن واریانس را تبیین می‌کند. مطالعات نای، پاول، پرویت، نتایج مشابهی را پیشنهاد می‌کنند. (نلسون و هانتینگتون، ۱۹۷۶: ۳۵).

اما نکته دیگری که با توجه به پایگاه اجتماعی - اقتصادی حاشیه‌نشینان می‌توان توضیح داد؛ جابجایی و مهاجرت‌هایی است که اغلب آن‌ها دارند تا فرصت‌های تحرک اقتصادی - اجتماعی بیشتری را برای خود فراهم کنند؛ و همین عدم تعلق و تحرکات بسیار، در اغلب موارد جانشینی برای مشارکت سیاسی و اجتماعی آن‌ها است.

فرضیه‌های تحقیق:

بین پسرانهای شهری با حاشیه‌نشینی رابطه معناداری وجود دارد.

بین گرایش به مشارکت اجتماعی با حاشیه‌نشینی رابطه وجود دارد.

بین گرایش به مشارکت سیاسی با حاشیه‌نشینی رابطه معناداری وجود دارد.

جامعه آماری و روش پژوهش:



روش این پژوهش اسنادی، پیمایشی است که جمعیت مناطق حاشیه‌نشین مورد پوهش بر اساس جمعیت آماری شهر خمین در سال ۱۳۸۵، تقریباً ۷۰۰۰ نفر برآورد شده است. روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری سهمیه‌ای چند مرحله‌ای می‌باشد. که مراحل انجام کار به صورت ذیل بوده است: پس از تعیین حجم نمونه و تقسیم مناطق حاشیه‌نشین به مناطق سه‌گانه (گوشه، فیروز آباد، محسن آباد) به نسبت جمعیت هر منطقه نمونه‌هایی تعیین گردیده است؛ و در نهایت به صورت تصادفی شهروندانی برای پر کردن پرسشنامه انتخاب شده‌اند.

نتایج و یافته‌های تحقیق:

۴-۱ حاشیه‌نشینی و پس‌ران‌های شهری

برای بررسی رابطه‌ی بین حاشیه‌نشینی با پس‌ران‌های شهری، با توجه به نوع متغیرها که فاصله‌ی ای اند، از ۲ پیرسون استفاده شده است. در این فرضیه متغیر مستقل پس‌ران‌های شهری است که شاخص‌های سنجش آن، گران بودن اجاره بهای مسکن شهری، نداشتن زمین، نداشتن شغل مناسب، نداشتن مهارت شغلی کافی، درآمد کم و بیکاری می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که احساس حاشیه‌نشینی در سطح معنی‌داری $\text{sig} = /000$ با پس‌ران‌های شهری دارای رابطه‌ی می‌باشد. ضریب همبستگی $0/2$ بوده که نشان دهنده رابطه مستقیم و ضعیف بین حاشیه‌نشینی و پس‌ران‌های شهری وجود دارد و این بیانگر این است که با افزایش پس‌ران‌های شهری از نظر حاشیه‌نشینان، حاشیه‌نشینی هم بیشتر می‌شود. نتایج بررسی این فرضیه در جدول (۱) آورده شده است.

جدول (۱) نتیجه آزمون همبستگی رابطه بین پس‌ران‌های شهری و حاشیه‌نشینی

پس‌ران‌های شهری		
$0/2^{**}$	ضریب همبستگی	حاشیه‌نشینی
$/000$	سطح معناداری	
۳۶۹	تعداد مشاهدات	

۴-۲ حاشیه‌نشینی و گرایش به مشارکت اجتماعی

برای بررسی رابطه‌ی بین حاشیه‌نشینی با گرایش به مشارکت اجتماعی، با توجه به نوع متغیرها که فاصله‌ی ایاند، از ۲ پیرسون استفاده شده است: در این فرضیه متغیر مستقل حاشیه‌نشینی بوده که برای سنجش آن، از شاخص‌هایی همچون؛ موقعیت افراد به لحاظ اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، روابط اجتماعی، برخورداری از امکانات شهری، مشارکت



در اداره شهر استفاده شده است. همچنین برای سنجش متغیر گرایش به مشارکت اجتماعی که در این فرضیه به عنوان متغیر وابسته فرض شده از شاخص‌هایی همچون؛ کار جمعی و مشارکتی ضریب اشتباهات را کاهش می‌دهد، کار جمعی و مشارکتی موجب افزایش کارایی می‌شود، برای حل مشکلات باید از دیگران کمک گرفت، هرفردی مسئول زندگی و کار و بار خودش است نه مسئول مشکلات دیگران، شرکت در فعالیت‌های مختلف فایده ندارد، اینهمه کار کردیم آخرش چی شد، چه کار بکنیم چه نکنیم امور جامعه به پیش می‌رود، از دست افرادی مثل من کاری بر نمی‌آید، در فعالیت‌های جمعی شرکت نمی‌کنم چون می‌دانم در بهبود امور تأثیر گذار نیستم، استفاده شده است.

نتایج نشان می‌دهد که میزان حاشیه‌نشینی در سطح معنی‌داری $\text{sig} = 0.15$ با گرایش به مشارکت اجتماعی دارای رابطه می‌باشد. ضریب همبستگی -0.127 بوده که نشان دهنده رابطه معکوس و ضعیفی بین احساس حاشیه‌نشینی و گرایش به مشارکت اجتماعی وجود دارد و این بیانگر این است که با افزایش احساس حاشیه‌نشینی، گرایش به مشارکت اجتماعی در بین حاشیه‌نشینان کاهش پیدا می‌کند. نتایج بررسی این فرضیه در جدول (۲) آورده شده است.

جدول (۲) نتیجه آزمون همبستگی رابطه بین گرایش به مشارکت اجتماعی و حاشیه‌نشینی

	مشارکت اجتماعی	
	ضریب همبستگی	-0.127^*
حاشیه‌نشینی	سطح معناداری	0.15
	تعداد مشاهدات	365

۳-۴ حاشیه‌نشینی و مشارکت سیاسی

برای آزمون رابطه بین حاشیه‌نشینی و گرایش به مشارکت سیاسی از ۲ پرسش استفاده شده است. در این رابطه، متغیر مستقل حاشیه‌نشینی و متغیر وابسته گرایش به مشارکت سیاسی بوده است. برای سنجش متغیر مشارکت سیاسی از شاخص‌هایی مانند: با شرایط فعلی نمی‌توان در جامعه تأثیری گذاشت، من از سیاست سر در نمی‌آورم و اصلاً به من ربطی ندارد، در انتخابات برگزار شده شرکت کرده‌ام و در آینده نیز شرکت خواهم کرد اخبار جامعه را از طریق (رادیو و تلویزیون) پی می‌گیرم، در انجمن‌های محلی (NGO) عضو هستم، استفاده شده است.

نتایج نشان می‌دهد که حاشیه‌نشینی در سطح معنی‌داری $\text{sig} = 0.20$ با گرایش به مشارکت سیاسی دارای رابطه معنی دار می‌باشد. ضریب همبستگی -0.158 بوده که نشان دهنده رابطه معکوس و ضعیفی بین حاشیه‌نشینی و گرایش به



مشارکت سیاسی وجود دارد و این بیانگر این است که با افزایش حاشیه‌نشینی، گرایش به مشارکت سیاسی در بین حاشیه‌نشینان کاهش پیدا می‌کند. نتایج بررسی این فرضیه در جدول (۳) آورده شده است.

جدول (۳) نتیجه آزمون همبستگی رابطه بین گرایش به مشارکت سیاسی و حاشیه‌نشینی

مشارکت سیاسی		حاشیه‌نشینی
** - ۰/۱۵۸	ضریب همبستگی	
۰/۰۲	سطح معناداری	
۳۶۰	تعداد مشاهدات	

نتیجه‌گیری

حاشیه‌نشینی یکی از معضلات و آسیب‌های مهم شهرنشینی در کشورهای جهان، خصوصاً در کشورهای جهان سوم می‌باشد. اگرچه این پدیده در کشورهای جهان به گونه‌های متفاوتی رخ می‌نماید اما با این وجود این پدیده در همه جا تقریباً ویژگی‌ها و مشخصه‌های مشترکی دارد از جمله: واحدهای مسکونی اغلب غیرقانونی و نسبتاً فرسوده، حاکم بودن فرهنگ فقر، وجود بسیاری از انحرافات و آسیب‌های اجتماعی و... بوده است. اما آنچه در این بین حائز اهمیت است این نکته است که بدون شناخت و بررسی عوامل دخیل در ایجاد و گسترش این پدیده نمی‌توان به اصلاح آن دست زد و یا حتی راهکارهایی برای آن ارائه نمود. این پژوهش ما را بر آن داشت تا با تحلیل علل اصلی موثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی و در نتیجه پیامدهای ناشی از آن در مناطق حاشیه‌ای شهر خمین به صورت اسنادی و میدانی پرداخته و در این بین فرضیه‌هایی مطرح و به آزمون گذاشته شد. پس از بررسی‌های صورت گرفته در مناطق مورد مطالعه نتایج توصیفی زیر بدست آمد:

سرپرست خانوارها و همسرانشان اغلب دارای منشأ روستایی بوده‌اند.

میزان تحصیلات پاسخگویان پایین بوده و اغلب در سطح ابتدایی بوده‌اند.

متوسط درآمد و هزینه ماهیانه خانوارها کمتر از میانگین نقاط شهری و روستایی کشور است.

درآمد معمولاً تکافوی هزینه‌ها را نمی‌کند و جبران تفاوت هزینه و درآمد از طریق قرض کردن از اقوام یا استفاده از پس‌اندازهای قبلی و یا گاهی انجام بعضی از کارها مانند خیاطی، آرایشگری و... بوده است.





مهاجرت‌ها به صورت خانوادگی بوده است.

علاوه بر اینکه ساکنین این مناطق دارای منشأ روستایی بوده‌اند. ضریب تحرک نیز در بین آن‌ها بالا بوده است. میانگین سابقه سکونت آن‌ها در این مناطق بسیار کم است و این سکونتگاه‌ها اغلب تازه تأسیس هستند. اکثر پاسخگویان پایین بودن قیمت زمین و مسکن در نواحی حاشیه ای را به عنوان مهم‌ترین عامل برای سکونت در این نواحی بیان داشته‌اند.

از آزمون فرضیه‌های پژوهش این نکات برمی‌آید که بین پسران‌های شهری با حاشیه‌نشینی رابطه معنادار وجود دارد و این حکایت از آن دارد که هر اندازه مهاجرت و پسران‌های شهری افزایش می‌یابد میزان حاشیه‌نشینی نیز به عنوان پی‌آیند آن افزایش می‌یابد. از آنجایی که این متغیر به عنوان یکی از عامل‌های اصلی پدیدآورنده و افزایش دهنده حاشیه‌نشینی بوده است بنابراین تأیید این رابطه نیز در راستای تحقیقات انجام گرفته شده توسط افرادی مانند: سروری (۱۳۷۶)، مهجوریان (۱۳۸۱)، شیبک (۱۳۸۳)، بوده است.

همچنین آنچه از نتایج مربوط به پیامدهای حاصل از حاشیه‌نشینی برمی‌آید این نکته را ثابت می‌کند که بین دو متغیر مشارکت اجتماعی / سیاسی و حاشیه‌نشینی رابطه معکوس وجود دارد و این شاید بدان معناست که با افزایش میزان حاشیه‌نشینی به لحاظ فیزیکی، حاشیه‌نشینی اجتماعی و سیاسی نیز به وجود می‌آید. که تأیید این فرضیه نیز در راستای پژوهش‌های انجام گرفته توسط سلیمانی (۱۳۷۵)، کریمی (۱۳۸۲) بوده است.





منابع

- برآبادی، محمود، ۱۳۸۴، الفبای شهر، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، چاپ اول، تهران.
- پارسا پژوه، سپیده، ۱۳۸۱، نگرشی از درون بر پدیده حاشیه نشینی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۶
- پیران، پرویز، ۱۳۶۶، شهرنشینی شتابان و ناهمگون، مسکن نابهنجار، در اطلاعات سیاسی و اقتصادی سال دوم و شماره چهارم.
- پیران، پرویز، ۱۳۸۳، مسائل اجتماعی ایران، مجموعه مقالات تحلیل جامعه شناختی مسکن شهری در ایران، اسکان غیررسمی، انتشارات آگه.
- راش، مایکل، ۱۳۷۷، جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری، تهران انتشارات سمت.
- ربانی، رسول، افشارکهن، جواد، ۱۳۸۱، حاشیه نشینی مشارکت اجتماعی شهری، مجله فرهنگ اصفهان، شماره بیست و سوم.
- ربانی، رسول، ۱۳۸۵، جامعه‌شناسی شهری، دانشگاه اصفهان، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات سمت.
- ربانی، رسول، علیزاده اقدم، محمداقرا، ۱۳۹۱، شهر و حاشیه‌نشینی، «اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان» (در نوبت چاپ).
- زاهد زاهدنی، سید سعید، ۱۳۵۶، حاشیه‌نشینی، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز.
- سعیدنیا، احمد، ۱۳۸۲، کتاب سبز شهرداری‌ها، نظام مراکز شهری و فضاهای مسکونی، چاپ دوم، تهران، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- جواهری پور، مهرداد، ۱۳۸۶، چالش جهانی فقر شهری، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۶
- حسین زاده، دلیر، ۱۳۶۱، حاشیه نشینان تبریز، چاپ اول، دانشگاه تبریز.
- درستی، امیر علی، ایدر، نبی الله و باقری، مژده، ۱۳۸۵، آسیب پذیری پیرامون شهرها فصلنامه دانشگاه آزاد واحد شوشتر، سال اول، شماره دوم.
- فرید، یدالله، ۱۳۶۸، جغرافیا و شهرشناسی، دانشگاه تبریز.
- فیروزجائیان گلوگاه، علی اصغر، ۱۳۸۰، بررسی تأثیر وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی دانشجویان بر مشارکت سیاسی آن‌ها (مطالعه موردی دانشگاه تهران)، دانشگاه شیراز.
- مدنی پور، علی، ۱۳۷۹، طراحی فضاهای شهری، مترجم فرهاد مرتضایی، انتشارات شرکت پردازش، چاپ اول.





مهاجرین، رضا، ۱۳۸۷، تأثیر حاشیه‌نشینی بر میزان بزهکاری در کلان شهرها، انتشارات جنگل، چاپ اول ...
نقدی، اسداله و صادقی، رسول، ۱۳۸۵، در مقاله ای تحت عنوان حاشیه نشینی چالشی فرا روی توسعه پایدار شهری با
تأکید بر شهر همدان، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۰، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و
توان بخشی.

هاروی، دیوید، ۱۳۷۶، عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان، محمدرضا حائری و بهروز منادی زاده، تهران،
شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

Huntington, S.P., j. Nelson (۱۹۷۶) No easy Choece: Political Participation in
Developing Countries, Combridge: Harvard University Press.

Milbrath, L.M., Goed (۱۹۷۷) , Political Participation: How Why do people get
in volved in Politics? New York: University Press America



This document was created with Win2PDF available at <http://www.win2pdf.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.
This page will not be added after purchasing Win2PDF.